

## ویژگی‌ها و جایگاه زنان از صدر اسلام تا کنون

زهرا طاهری

### چکیده

در این تحقیق سعی شده است به بررسی مقام و موقعیت زن در اسلام پرداخته شود. از بررسی موقعیت زن در ملل غیر از اسلام که آنها چه توجه و چه عنایتی به مقام زن داشتند، سپس آفرینش زن و جایگاه و ارتباط او با خلقت و جهان هستی، بعد از آن به شاهکار خلقت و بررسی تفاوت‌های مرد و زن از جنبه احساسی و روانی، جسمی و حقوقی و در زمینه مقررات اسلامی پرداخته شده است که این تفاوت‌ها جز مسخر کردن گروهی نسبت به گروه دیگر نیست. بعد از آن به رد نظریان تحقیرآمیزی که نسبت به زن وارد شده، پرداخته شده است، از جمله زن عنصر گناه و وسوسه، زن به بهشت نمی‌رود، ریاضت و تجدد زن، زن مقدمه وجود مرد است و زن در تولید فرزند سهمی ندارد. سپس به ارزش‌های مشترک میان زن و مرد اشاره شده که اسلام زن‌ها را همچون مردان در اموری چون تعلیم و تزکیه، فضایل علمی، عبادت و تقوا، عفت، ازدواج، مدیریت، مقام خلیفه الهی و ... می‌داند.

در آخر نیز به معرفی زنان برتر و الگو در اسلام پرداخته شده و مقام زنانی چون: حضرت زهرا (سلام الله علیها)، حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، حضرت مریم (سلام الله علیها)، آسیه همسر فرعون و ساره همسر ابراهیم خلیل از دیدگاه اسلام توضیح داده شده است.

کلید واژگان: زن، جایگاه، مقام، اسلام، تشابهات، تفاوت‌ها، الگوها.

## مقدمه

خداوند خالق متعال همه مخلوقات را نیکو آفریده است و یکی از تعبیرهایی که این موضوع را روشن می‌سازد این است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده (۳۲): ۷) «خداوند آن آفریننده ای است که هر چیز را نیکو آفریده و خلقت انسان را از گل آغاز کرده است.»

یکی از خلقت‌های خداوند موجودی است به نام «زن» که آفرینش او را چنین معرفی می‌کند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا»؛ (اعراف (۷): ۱۸۹) «اوست که شما را از یک نفس آفریده و از وی جفتش را پدیده آورده است.»

زن رامایه آرامش و آسایش مرد قرار داده است آنگاه که می‌فرماید: «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا»؛ (روم (۳۰): ۲۱) «از جنس خودتان برای شما زوج آفرید.»

اما عده‌ای زبان به شکایت باز کرده‌اند و گفته‌اند: تفاوت‌هایی که میان زن و مرد وجود دارد، موجب حقیر شدن زن و پایین آوردن مقام او شده است؛ غافل از اینکه این تفاوت‌ها اولاً: در نظام هستی باید به احسن وجه اداره شود و ثانیاً تا تسخیر متقابل بین موجودات محقق نشود. بنابراین نظام آفرینش، استعداد‌های متقابل و متخالف می‌طلبد و این تفاوت میان زن و مرد برای تسخیر دو جانبه و متقابل و تقرب الی الله است.

اسلام در برابر نظریات تحقیرآمیزی که نسبت به زن وجود دارد سکوت نکرده و به یاوه‌گوییان مجال صحبت نداده است. اسلام از مشترکات و ارزش‌های مادی و مساوی زن و مرد صحبت می‌کند و زن را در بسیاری از امور از جمله: فضایل علمی، عبادت و تقوا، تعلیم و تزکیه و ... همتای مردان می‌داند.

این نوشتار در ۶ محور اصلی به بیان مباحث می‌پردازد؛ ۱- مفهوم شناسی، ۲- زن در ملل پیش از اسلام، ۳- زن در میان ادیان الهی، ۴- زن در عرب جاهلیت، ۵- جاهلیت مدرن و ۶- مقام و جایگاه زن در اسلام.

## ۱- مفهوم شناسی

در این محور از بحث سعی شده به مفهوم اصلی بحث از نظر لغوی و اصطلاحی پرداخته شود.

### ۱-۱- مفهوم لغوی زن

زن. [ز] (ا) نقیض مرد باشد. (برهان) مطلق فردی از افراد اناث خواه منکوحه باشد و خواه غیرمنکوحه. (آندراج). مادینه انسان. بشر ماده. امرأه مقابل مرد. مقابل رجل. (معین، ۱۳۷۱: ۸۲/۱) انسان و ماده‌ای از نوع بشر و مرأه و نساء و خاتون و بانو. ج، زنان. (ناظم الاطباء) (ز) [په] ۱- انسان ماده. ۲- همسر. (دهخدا ۱۳۸۴: ۱/۱۶۸)

### ۱-۲- مفهوم اصطلاحی زن

در شناسایی یک لغت نیاز است که تعریف اصطلاحی آن ارائه شود. زن در اصطلاح به موجودی که از جنس ماده باشد، گفته می‌شود؛ زن دارای احساسات و عواطف است، بسیار دلسوز و مهربان است، توانایی تولیدمثل دارد و هر موجودی که توان تولید مثل داشته باشد، مؤنث است و در انسان‌ها به آن زن گفته می‌شود. (حسینی دشتی، ۱۳۷۶: ۶۰/۴)

## ۲- زن در ملل پیش از اسلام

در اینجا سعی بر این است که زن در ملل پیش از اسلام مورد بررسی قرار گیرد.

## ۱-۲- زن در تمدن هند

از روزگاران قدیم، هند دارای علم، تمدن و فرهنگ بود، اما وضعیت زنان بهتر از ملل و اقوام دیگر نبود، بلکه همانند سایر ملت‌ها، قبل از ازدواج؛ ملک و برده پدر و پس از ازدواج؛ برده و ملک شوهر بود و پس از مرگ او، زن با لباس‌های فاخر و آرایش کرده همچون شب عروسی و زفاف، همراه با جسد مرده شوهرش، زنده در آتش سوزانده می‌شد. از مردگان خود ارث نمی‌برد و بدون اذن و رضایت او، شوهرش می‌دادند. اقوام هندی معتقد بودند زن، سرچشمه گناه و سرمنشاء سرشکستگی اخلاق و روحیات جامعه است و برای او، شخصیت مستقل انسانی قائل نبودند. در هند وضعیت اجتماعی به گونه‌ای بود که زنان فکر می‌کردند اگر آنان را بخرند، شرافتمندانه‌تر از وضع موجود است و حتی ربوده شدن را ستایش بزرگی می‌دانستند. «چند زن» معمولاً امتیاز مرد بود؛ او بر زنان و فرزندان خود تملک داشت و می‌توانست در موارد خاص آنان را بفروشد یا از خانه بیرون کند. قانون نامه مانو، با عبارتهایی از زن نام می‌برد که یادآور دوره اول الهیات مسیح بود؛ چنان که نقل شده: سرچشمه ننگ زن است، سرچشمه ستیز زن است، سرچشمه وجود زیرین، زن است؛ پس باید از زن پرهیز کرد. (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۹)

## ۲-۲- زن در تمدن ایران باستان

در ایران باستان، طبق آیین زرتشت خیانت زن موجب اعدام بود و در عهد ساسانیان این حکم تخفیف یافت به این صورت که در اولین بار، زندانی و در صورت تکرار، محکوم به اعدام می‌شد. در هزاره سوم قبل از میلاد، زن نه تنها در عمده‌ترین کارهای اجتماع نقش اساسی و تعیین کننده داشته، بلکه از صبح تا شام اوقات خود را نیز مصروف اداره خانواده می‌نموده و با رقص‌های مذهبی که جنبه هنری داشتند نیز به زندگی نشاط و سرور می‌بخشیده است. هر چند گاهی این رقص‌ها به صورت دسته جمعی در میامده و مردان هم در آن شرکت

می کردند، ولی از آنجایی که زن مقام روحانیت داشته، رقص مقدس از وظایف او بوده است.

(کریمی، ۱۳۸۵: ۱۸-۱۹)

## ۲-۳- زن در تمدن چین

در میان اقوام و ملل چینی هیچ اثری از فرهنگ و تمدن نبود حتی فرزندان پدران خود را نمی شناختند، فقط مادران خود را می شناختند؛ همچون حیوانات. مقام زن آنقدر پست و بی مقدار بوده که دختران را از بدو تولد جهت خدمتگزاری و آسایش مرد تربیت می کردند و غالباً آنها را تحت شکنجه قرار داده و در بعضی مراسم دینی برای قربانی کردن، دختران جوان را ترجیح می دادند. در چین پاهای دختران را برای خوشایند مردان در قالب های کوچک فشرده می کردند تا کوچک بمانند و این یک نوع زیبایی سنتی برای ذائقه مردان محسوب بوده است؛ با کمال تأسف، سهم زن از آن تمدن و فرهنگ، جز فرمانبری برده وار، چیز دیگری نبود. قبل از ازدواج می بایست از پدر اطاعت کند و بعد از ازدواج، تحت اوامر شوهر باشد و پس از فوت او، زیر نظر پسر بزرگ باشد. در تمدن چین سهم الارث برای دختران، وجود نداشت؛ زیرا دختران را فرزند نمی دانستند. (کریمی، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۲)

## ۲-۴- زن در تمدن روم

مقررات روم به مرد اجازه می داد حتی زن خود را به قتل برساند. البته با پیشرفت تمدن روم سختگیری ها بر زنان اندکی تخفیف یافت و آزادی نسبی به آنها داده شد. اما در عوض، فساد و فحشا و هرزگی زنان، رواج فراوانی یافت. در تمدن روم که چهار قرن قبل از میلاد پایه گذاری شد، زنان، جزء جامعه بشری و حتی عضو خانواده نبودند. خانواده فقط از مردان تشکیل می شد و زنان حق شکایت در دادگاه را نداشتند. همچنین مجاز به داد و ستد نبودند و معاملات آنها رسمی نبود و ثبت نمی شد و حتی اگر مردی مصلحت را در کشتن زن می دید رایش نافذ بود و مانعی برای اجرای تصمیمش وجود نداشت.

## ۲-۵- زن در تمدن آشوری‌ها

اگر جرم زن از نظر اسراف و تبذیر در اموال شوهر در دادگاه ثابت می‌شد شوهرش حق داشت او را بکشد. در سرزمین «بابل» مرکز تمدن کلدانیان و آشوریان سالی یک بار، دخترانی را که پا به سن زناشویی گذاشته بودند در یکجا جمع می‌کردند و هر یک را بر حسب زیبایی، به فروش می‌گذاشتند. (همان: ۱۷)

بنابراین با مروری اجمالی در تمدن ملل دیگر درمی‌یابیم که پیش از اسلام در همه تمدن‌ها به نسبت برای زنان ارزشی قائل نبوده‌اند و چون بردگان با آنان رفتار می‌شده است و جایگاهی برای زن مقرر نبوده است.

## ۳- زن در ادیان الهی

زن در دیدگاه و عقیده یهود و مسیحیت تحریف شده نیز وضعیتی شبیه ملل دیگر داشت. مثلاً نزد برخی یهودیان، پدر، دختر نابالغ خود را می‌توانست بفروشد. کشیشان مسیحی زن را عامل و مظهر شیطان و موجب فساد و فحشا می‌دانستند و تا مدت‌ها پیرامون این مسأله در مدارس خود تحقیق می‌کردند که آیا زن می‌تواند مانند مرد، خدا را عبادت کند؟ آیا می‌تواند داخل بهشت شود؟ آیا زن انسان است و روح دارد؟ آیا می‌تواند جاوید بماند یا ماده‌ای فانی است؟

در مسیحیت به علت رواج فرهنگ تنفر از زن و بی‌ارزش بودن او، عزوبت مرد تشویق می‌شد و ازدواج در نظر آنها دامی از طرف شیطان برای سقوط در جهنم محسوب می‌گردید. در دیدگاه آنان، زن، جرثومه گناه و پلید بالذات بود. به نظر کلیسا، محبت به زن، در شمار یکی از مفسد بزرگ اخلاقی بود. در حالی که از صاحب خلق عظیم پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است که فرمودند:

«احب من دنیاکم الطیب و النساء.» یعنی: «از دنیای شما دو چیز را دوست دارم: بوی خوش و زنان را.» (قمی: بی تا: ۸ / ۷۹) «خیر اولادکم البنات.» یعنی: «بهترین فرزندان شما دختران هستند.» (مجلسی، ۱۴۱۲ق: ۳ / ۲۱۸) «الجنة تحت اقدام الامهات.» یعنی: «بهشت زیر پای مادران است.» (احادیث شیعه، SID)

در غرب تا مدت‌های مدید، این بحث مطرح بود که آیا زن انسان است یا خیر؟ و بالاخره در قرن پنجم یا ششم در یک مجمه، تصویب شد که زن هم انسان است ولی برای خدمت به مردان افریده شده است. تا اوایل قرن بیست کلیه اموال زن پس از ازدواج به همسرش منتقل می‌شد و حتی نام خانوادگی خود را از دست می‌داد و به نام شوهر نامیده می‌شد.

در قرن بیستم در اثر رواج تفکر آزادی و آزادی خواهی، فریاد حمایت از حقوق زنان نیز رواج یافت و در پی سخنرانی‌ها، مقالات و کتاب‌ها؛ نهضتی به وجود آمد به نام جنبش «فمینیسم». این جنبش معتقد بود روابط زن و مرد در نظام خانواده ظالمانه است و برای رهایی از حاکمیت مرد بر زن؛ باید شکل فعلی نهاد خانواده ممنوع شود و روابط زن و مرد آزاد و در خارج از چهارچوب نظام خانواده قرار گیرد.

در روابط آزاد و بدون مرز زن و مرد، باز هم مرد حاکم می‌شود و زن، محکوم، مرد طالب است و زن مطلوب، بر همین اساس مسأله هم‌جنس‌گرایی در بین زنان ترویج یافت. اما در اثر گذشت زمان و ثابت شدن بی‌پایگی آن همه شور و شعارهایی که در حمایت از احقاق حقوق زنان سرداده می‌شد، وضعیت نهضت فمینیسم در دهه هشتاد کم‌رنگ شد؛ زیرا پس از گذشت چند دهه، ناکارآمدی ادعای آزادی‌طلبی، بر زنان فریب خورده ثابت شد و احساس کردند که نه شوهر دارند که از وجود آنان حمایت عاطفی مسئولانه کند و نه فرزندی که امید و پناه آینده آنان باشد. و لذا از پای‌بندی به مکتب را امری بیهوده شمردند و از آن مکتب بریدند.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: سیر صعودی و نزولی دیدگاه‌های پیرامون زن را به ترتیب زیر برشمرد:

۱- شیء و کالا؛ ۲- برده و بنده؛ ۳- آزاده و محدود؛ ۴- آزاد از خانواده. (افق حوزه، ش ۲۴: ۱۴-۲۱)

#### ۴- زن در عرب جاهلیت

در این بخش ابتدا جهل از نظر لغوی و اصطلاحی مورد بررسی برای فهم بیشتر واژه قرار گرفته است و سپس جهالت عرب در خصوص زنان و دختران به تفصیل آمده است.

#### ۴-۱- مفهوم شناسی جهل

نادانی: نادانی و آن انواعی دارد. جاهل: نادان، سفیه، بی اعتقاد. (قرشی، ۱۳۷۱: ۲/ ۸۲)  
نادانی و جهل یعنی انجام کاری برخلاف آنچه که باید انجام شود، خواه درباره آن اعتقاد درستی داشته باشد خواه اعتقادات ناصحیح و فاسدی داشته باشد؛ مثل کسی که عمداً نماز را ترک کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۱/ ۴۲۷)

جهالتی که ضد علم باشد، جهلی که مقدم در کارهای مبهمی که غیر از علم باشد. جهل به دو دسته تقسیم می‌شود: بسیط و مرکب (الزبیدی الحسینی، ۱۴۰۹ ق: ذیل واژه جهل)  
جهل خلاف علم است و گاهی جهالت، جهاد و جهالت هم معنی می‌شود. (الجوهری الفارابی، ۱۴۳۰: ۴/ ۱۶۶۲)

در اصطلاح جاهلیت: حالت نادانی، روزگار پیش از اسلام که جهل و بی‌خردی بر مردم، عموماً و عرب خصوصاً حاکم شده بود و بت می‌پرستیدند و اسیر احساسات و خرافات بودند و خونریزی و تجاوز و ستیزمایه مباهات آنها بوده است. (حسینی دشتی، ۱۳۷۶: ۳/ ۱۹)  
در این تفسیر جهل سرچشمه بت پرستی معنا کرده‌اند، یک طرف جهل او نسبت به پروردگار و اینکه هیچ شبیه و مانندی برای او تصور نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/ ۳۳۴)



#### ۴-۲- جاهلیت در قرآن

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ (احزاب (۳۳): ۳۳) «و در خانه‌هایتان بنشینید و آرام بگیرید (و بی حاجت و ضرورت از منزل بیرون نروید) و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خودآرایی نکنید و نماز به پا دارید و از مال خود به فقیران بدهید و از امر خدا و رسول خدا اطاعت کنید. خدا چنین می‌خواهد که رجس، هر آرایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.»

کلمه تبرج به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است، همان طور که برج قلعه برای همه هویدا است و کلمه جاهلیه اولی به معنای جاهلیت قبل از بعثت است، پس مراد از آن جاهلیت قدیم است، و اینکه بعضی گفته‌اند که مراد از آن دوران هشتصد ساله ما بین حضرت آدم و نوح است و یا گفته‌اند زمان فطرت بین عیسی و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است، اقوالی است بدون دلیل! فرموده‌اند: این دو دستور رکن عبادت و معاملات است و بعد از ذکر این دو به طور جامع فرموده‌اند: خدا و رسولش را اطاعت کنید و طاعات خدا عبارت است از: امتثال تکالیف شرعی او، و اطاعت رسولش به این است که آنچه با ولایتی که دارد امر و نهی می‌کند، امتثال شود؛ چون امر و نهی او نیز از ناحیه خدا جعل شده، خدا او را به حکم «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» ولی مؤمنین کرده و فرمان او را فرمان خود خواند.

(almizan/geld16 www.aviny.com.guran/)

#### ۴-۳- جاهلیت نخستین

شناخت وضعیت زن در عصر جاهلی از آن جهت حائز اهمیت است، که ما را به تحول نقش و جایگاه زن در عصر ظهور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رهنمون می‌شود. بررسی و شناخت میزان نقش اسلام در بازگرداندن زن به هویت، حیثیت و کرامت خداداد انسانی خود، ما را بر

آن می دارد که جایگاه و موقعیت زن جاهلی را با تأکید بر وحی، مورد دقت و تأمل قرار دهیم. در این زمینه با دو عقیده متفاوت روبرو هستیم: برخی معتقدند که زن عرب پیش از اسلام، با عفت و آبرو زندگی می کرد و از آزادی و اختیارات کافی برخوردار بوده، به ویژه زن بادیه نشین که همکار مرد و شریک سختی و راحتی وی در سفر و حضر بوده است.

برخی هم معتقدند که: زن در عصر جاهلیت نخستین، جایگاه انسانی و اجتماعی شایسته ای نداشته است، چنانچه آیات قرآن نیز مؤید همین معنی است. در ذلت و خواری زن همین بس که حیاتش مایه ننگ و عار بود. البته زنانی چون حضرت خدیجه (سلام الله علیها) یافت می شدند که از کرامت و شأن برخوردار بودند. اما اینان از استثنائات بشمار می آمدند.

در دوران جاهلیت نخست، دو نوع زن وجود داشت: کنیز و بانو. کنیزان بسیار بودند از آن جمله روسپیان که رفیق می گرفتند و مطربانی که در می فروشی ها ساز می زدند و آواز می خواندند و کنیزانی که خدمتگزار بانوان اشرافی بودند و بالاخره کنیزان گله بان و شترچران که از همه پایین تر بودند. غالب کنیزان سیاه بودند، عرب وقتی از کنیزی صاحب فرزند می شد، آن را به خود نسبت نمی داد مگر پسری باشد که از خود قهرمانی و نجابت نشان دهد. زن آزاده به پخت و پز و دوخت و دوز و خانه داری می پرداخت، مگر بانوان اشرافی که کنیز داشتن این کارها را کنیزان انجام می دادند. (رضایی، ۱۳۸۷: ۴۱۱)

#### ۴-۴- ازدواج در دوران جاهلیت

در جاهلیت، دختران - به ویژه دختران رشید، عاقل و باهوش - در امر ازدواج مختار بودند. بدویان با دختران کم سن و سال ازدواج می کردند؛ زیرا از سویی طبیعت سرزمینشان آن را می طلبید و از سوی دیگر میل فراوانی به ازدیاد پسران داشتند. بنابراین پسران در ۱۵ سالگی و دختران در ۱۰ سالگی ازدواج می کردند. عرب جاهلی ازدواج با غریبه را بر خویشاوندان ترجیح می دادند؛ زیرا از سویی می خواستند با دشمنان آشتی کنند و به پیمان هایشان بیفزایند و از سوی دیگر از فرزندان با نژاد بهتر، نجیب و سالم تر برخوردار شوند. شیوه ازدواج بدین

صورت بود که در آغاز شخصی از دختری خواستگاری نموده، مهریه‌اش را می‌داد و سپس عقد ازدواج میانشان بسته می‌شد. ازدواج‌هایی که در عرب جاهلیت صورت می‌گرفت عبارتند از:

۱- ازدواج مقت: در جاهلیت رسم بود وقتی شوهر زن می‌مرد، فرزندان، زنان را به ارث می‌بردند. ازدواج مقت را ازدواج یک مرد با دو خواهر در زمان واحد هم دانسته‌اند. البته اسلام همه اینها را باطل کرد؛ زیرا عامل به این کارهای مغضوب خدا هستند، اگر شجاعی خوشش می‌آمد که با یکی از زنان آنها همبستر شود، وی به یکی از زنان اجازه همبستری می‌داد که مدتی خود را در اختیار او قرار دهد، البته این مورد بسیار نادر بوده است.

۲- ازدواج سبی: بعضی از اعراب، در غارت‌هایشان زنان دیگر را بی‌عقد می‌گرفتند.

۳- ازدواج استرقاق: این نوع ازدواج با خرید زن صورت می‌گرفت.

۴- ازدواج شغار: یعنی مبادله دو خواهر بین دو برادر یا دو دختر بین دو پدر، به این صورت که یکی از آنها بگوید: دخترم یا خواهرم را به تو تزویج کردم به شرط آنکه تو نیز دختر یا خواهرت را به من تزویج کنی و صداق در میان نباشد، در صورتی که اسلام این نکاح را باطل کرده است.

۵- زنا: در جاهلیت زنی با شماری از مردان رابطه داشت که در این میان فرزندی پیدا می‌شد که نمی‌دانستند پدر کیست. در این صورت مادرش بچه را به یکی از مردانی که می‌خواست می‌داد و شخص اگر بچه بود آن را رد نمی‌کرد. (همان: ۴۵۰-۴۶۱)

#### ۴-۵- ازدواج موقت و مسأله حرمسرا

این مسأله را از دو جهت باید بررسی کرد: یکی از این نظر که عامل تشکیل حرمسرا از جنبه اجتماعی چه بوده است؟ دوم اینکه آیا منظور از تشریح قانون ازدواج موقت این بوده است که ضمناً وسیله‌هوسرانی و حرمسراسازی برای عده‌ای از مردان فراهم گردد یا نه؟

اولین عامل حرمسراسازی تقوا و عفاف زن است؛ یعنی شرایط اخلاقی و اجتماعی محیط باید طوری باشد که به زنان اجازه ندهد در حالی که با مرد بخصوصی رابطه جنسی دارند با مردان دیگر نیز ارتباط داشته باشند. در این شرایط مرد هوسران عیاش متمکن چاره خود را منحصر می‌بیند که گروهی از زنان را نزد خود گرد آورده حرمسراییی تشکیل دهد.

عامل دیگر، نبودن عدالت اجتماعی است. هنگامی که عدالت اجتماعی برقرار نباشد، یکی غرق دریا، دریا نعمت و دیگری گرفتار کشتی، کشتی فقر و افلاس و بیچارگی باشد، گروه زیادی از مردان از تشکیل خانواده و داشتن همسر محروم می‌مانند و عدد زنان مجرد افزایش می‌یابد و زمینه برای حرمسراسازی فراهم می‌گردد. اگر عدالت اجتماعی برقرار و وسیله تشکیل خانواده و انتخاب همسر برای همه فراهم باشد، قهراً هر زنی به مرد معینی اختصاص پیدا می‌کند و زمینه عیاشی و هوسرانی و حرمسراسازی منتفی می‌گردد. (مطهری، ۱۳۸۹: ۶۳)

#### ۴-۶- منع خلیفه از ازدواج موقت

ازدواج موقت از مختصات فقه جعفری است؛ سایر رشته‌های فقهی اسلامی آن را مجاز نمی‌دانند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در برخی از سفرها که مسلمانان از همسران خود دور می‌افتادند و در ناراحتی به سر می‌بردند، به آنها اجازه ازدواج موقت می‌داده است. البته خلیفه دوم در زمان خلافت خود نکاح منقطع را تحریم کرد. خلیفه دوم در عبارت معروف و مشهور خود چنین گفت: «دو چیز در زمان پیغمبر روا بود، من امروز آنها را ممنوع اعلام می‌کنم و مرتکب آنها را مجازات می‌نمایم: متعه زنها و متعه حج».

به عبارت دیگر، نهی خلیفه نهی سیاسی بود نه نهی شرعی و قانونی. طبق آنچه از تاریخ استفاده می‌شود، خلیفه در دوره زعامت، نگرانی خود را از پراکنده شدن صحابه در اقطار کشور تازه وسعت یافته اسلامی و اختلاط با ملل تازه مسلمان پنهان نمی‌کرد؛ تا زنده بود مانع پراکنده شدن آنها از مدینه بود و علت اینکه مسلمین آن وقت زیر بار این تحریم خلیفه رفتند این بود که فرمان خلیفه را به عنوان یک مصلحت‌سیاسی و موقتی تلقی کردند نه به عنوان یک قانون

همیشگی، و الا ممکن نبود خلیفه وقت بگوید پیغمبر چنان دستور داده است و من چنین دستور می‌دهم و مردم هم سخن او را بپذیرند. (همان: ۶۶۷)

#### ۴-۷- زنده به گور کردن دختران

یکی از دردناکترین و فاجعه آمیزترین پدیده‌های عصر جاهلیت، پدیده «وآد» است که در آیات متعدد قرآن بدان پرداخته شده است. این عمل به قدری فجیع است، که موارد نادر آن نیز قابل دقت و بررسی است.

#### ۴-۸- پیشینه تاریخی «وآد»

پیدایش این رسم غلط به دوره «نعمان بن منذر» پادشاه حیره باز می‌گردد. داستان از این قرار است که بنی تمیم مالیات وضع شده را نمی‌پرداخت؛ نعمان فرمان داد، تا به این قبیله هجوم برند. در نتیجه تعدادی از فرزندان و زنان قبیله، به اسارت رفتند. وقتی روابط حسنه شد، قیس و سران قبیله برای بازپس گرفتن اسیران نزد نعمان رفتند. او خطاب به زنان و دختران اسیر گفت: هر یک از شما مایل است، آماده حرکت باشد؛ و هر که می‌خواهد بماند. دختر قیس بن عاصم در جمع کسانی بود که نزد قبیله خویش نرفت پس از این ماجرا نذر کرد، دخترانش را زنده به گور کند. بدین ترتیب، بیش از ده تن از دخترانش را زنده به گور کرد به جهت رواج این رسم ناصحیح و عادت زشت، آیاتی در مذمت «وآد» نازل شد. (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۴۴)

#### ۴-۹- علل و انگیزه‌های «وآد»

در آن روزگار، از طرفی جو حاکم مبتنی بر تنفر داشتن از دختر بوده است؛ که قرآن نیز به این موضوع اشاره کرده است. از طرف دیگر، مشرکان ملائکه را دختران خدا می‌دانستند و از آنان نزد پروردگار امید شفاعت داشتند. بنابراین معقول نیست انسان، موجودی را که به طور ذاتی از آن کراهت دارد بپرستند و از او امید شفاعت نیز داشته باشد. مجموعه این دو نگرش به

ما می‌فهماند که کراهت داشتن از دختران، به جهت اسباب و علل خارجی بوده است؛ ۱ که در این جا به مهم‌ترین آنها می‌کنیم. ۱- عامل اخلاقی؛ ۲- عامل اجتماعی؛ ۳- عامل دینی؛ ۴- عامل اقتصادی؛ ۵- عامل فرهنگی. (همان: ۵۷-۶۵)

## ۵- زن در جاهلیت مدرن

در قرن هفدهم تحول عظیمی در غرب با عنوان «حقوق بشر» صورت گرفت؛ و سر منشأ تحولاتی در انگلستان، آمریکا و فرانسه شد. در تمام این تحولات که با دفاع یک جانبه از حقوق مردان همراه بود، حقوق زنان را نادیده گرفتند، این امر مورد اعتراض عدّه ای واقع شد. البته این اعتراض‌ها را می‌توان در چارچوب آرمان‌های فمینیستی ارزیابی کرد. (همان: ۸۱)

## ۵-۱- گرایش‌های فمینیستی

مهم‌ترین ویژگی مشترک فمینیست‌ها دفاع از زن و حقوق او می‌باشد. «فمینیسم» رسالتش را در دفاع از حقوق زن محدود نکرده؛ بلکه در پی تفسیر جدیدی از جهان و انسان است. تزلزل بنیان خانواده، اختلال در شخصیت زن و نگرانی‌ها و ناهنجاری‌های روحی و روانی، از آثار زیانبار این حرکت‌های به ظاهر مدافع حقوق زنان است؛ در حالی که نظام اسلام، زن و مرد را اعضاء یک پیکر می‌شمارد و تعارض میان زن و مرد را بی معنا می‌داند؛ و به او چنان ارزش و منزلتی می‌بخشد که در کمتر دین و آئینی نظیر آن مشاهده می‌شود. (همان: ۸۵)

## ۵-۲- آزادی زن

آزادی، مفهوم دلنشینی است، ولی مصادیق زشت و زیبایی دارد؛ از همین رو همه مصادیق آن نزد عقل پسندیده نیست، زیرا آزادی در برابر محدود بودن است. اگر مقصود از آزادی چیزی باشد که در برابر محدودیت قانون قرار گیرد، بی بندوباری خواهد بود، و از خطرناک‌ترین چیزهاست. به طور کلی اگر محدودیت ظالمانه باشد، آزادی بسیار چیز خوبی است، ولی اگر محدودیت عادلانه باشد، کار زشتی است. (صدر، ۱۳۸۷: ۱۵)

حال سؤالی که پیش می‌آید این است: این چنین آزادی برای کل جامعه و به ویژه خود زنان، سودمند است یا زیانبار؟

در اینجا باید به حقیقت‌هایی اشاره کنیم که اساس استدلال‌ها را تشکیل می‌دهند. آزادی غیراخلاقی برای زنان، خطرات سوئی به همراه دارد که عبارتند از: خودکشی، آسیب‌های بدنی، جرائم زن، سقط جنین، تجاوز به عنف، رابطه‌های نامشروع، سردی روابط زن و شوهر، افزایش طلاق، کاهش ازدواج، شیوع بیماری‌های مقاربتی و ... که اجمالاً به شرح یکی از این موارد می‌پردازیم.

### ۵-۳- کاهش ازدواج

از جوانی اروپایی پرسیدند: چرا ازدواج نمی‌کنی؟

گفت: وقتی که هر روز شیر تازه‌ای را به فراوانی بتوان به دست آورد، چرا گاو تهیه کنم؟ از این سخن دانسته می‌شود که مرد غربی با چه دیدی به زن می‌نگرد و آزادی زن را برای چه می‌خواهد!

سیر نزولی ازدواج در جامعه بشری و کاهش تشکیل خانواده نشانه بازگشت به حیوانیت می‌باشد. جانوران کمتر تشکیل خانواده می‌دهند و نرینه‌ها و مادینه‌ها، کمتر به یک دیگر اختصاص دارند، نتیجه کم شدن ازدواج افزایش افراد مجرد بوده و بدین وسیله راه گناه و زشت کاری‌ها گشوده می‌گردد. (همان: ۸۵)

### ۶- مقام و جایگاه زن در اسلام

در این محور به تبیین مقام زن در اسلام و حقوقی که زن از دیدگاه اسلام دارد پرداخته شده است که به بررسی آنها می‌پردازیم.

## ۶-۱- دفاع از حقوق زنان

حقیقت آن است که سنت و مدرنیته در برخورد با زنان، بر خلاف تفاوت‌های ظاهری دقیقاً مشابه عمل کرده‌اند، هر دو بر حقیقت زنانگی چشم فرو بسته و با تکیه بر موهومات ذهنی ره افسانه پیش گرفته‌اند. رویه‌ی سلفی، زن را فاقد عقل، درایت و انسانیت می‌پندارد. حیوانی حقیر و فتنه انگیز، بازیچه‌ای برای کامجویی و سرگرمی مردان و مایه‌ی شرمساری خانواده. سال‌های سال سرنوشت زنان در سایه‌ی این عقاید موهوم بهرنج و تلخ کامی رقم خورد. اما نوگرایان اگر چه پاره‌ی پنهان (انسانیت زنان) را آشکار کردند، پاره‌ی پیدا (زنان بودن زنان) را فرو بردند.

سنت از این قرص کامل، تنها زنانگی را دید و مدرنیته تنها انسانیت را. در سنت، زن هست و وجود دارد اگر چه فرودست مردان. اما در گزاره‌های فمینیستی، انسانیت در «مرد بودن» خلاصه می‌شود و لباس مردانگی می‌پوشد. فمینیسم در حقیقت دفاعی مردانه از زنان است که از تحقیر و ویژگی‌های طبیعی زنانه شروع می‌شود؛ از ضرورت مشابهت زنان به مردان می‌گذرد و به قداست و برتری ناآگاهانه جنس مرد ختم می‌شود.

تفاوت اساسی آموزه‌های اسلام و دیگر ادیان و حیانی با سنت و مدرنیته، در واقع گرائی گزاره‌های آن است. اسلام نه انسانیت زن را منکر شد و نه زنانگی او را نادیده گرفت، بلکه قرص کامل ماه را دید. از منظر اسلام، زن انسان تمام است، اما با همه اوصاف و ویژگی‌هایی که وجود او را از مردان متمایز می‌کند. (هاجری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷-۱۳۹)

به گفته شهید مطهری، نهضت اسلامی زن با نهضتی که در مغرب زمین روی داد، از دو نظر تفاوت بنیادی دارد: «اول در ناحیه روانشناسی زن و مرد است، که اسلام اعجاز کرده است. دوم این که اسلام، در عین آنکه زنان را به حقوق انسانیشان آشنا کرد؛ و به آنها شخصیت و هویت و استقلال داد؛ هرگز آنها را به تمرد و عصیان و طغیان و بدبینی نسبت به جنس مرد وادار نکرد. (مطهری، ۱۳۸۹: ۷۶)



## ۶-۲-اسلام و نجات زن

اسلام با ظهورش، «غبار غلیظ مظلومیت و ذلت» را از این مخلوق الهی و شریک مرد در زندگی پاک کرد و به طرق مختلف «کرامت زن» را آشکار ساخت. سنن جاهلی و رفتارهای غیر انسانی با زنان را تقبیح نمود و آنان را به رفتار نیک و ادای حقوق انسانی زنان تشویق و موظف ساخت. ملاک‌های ارزشی را در جامعه دگرگون کرد، نه مرد بودن را ملاک کرامت شمرد و نه زن بودن را نشانه نکبت و بدبختی، بلکه معیار و فضیلت را «تقوا و خویشتن‌داری در برابر گناه و نافرمانی خدا» شمرد، چه دارنده آن مرد باشد و چه زن. در این مکتب به زن استقلال و هویت بخشیده شد. او گذشته از این‌که می‌تواند پله‌های رشد و تعالی را بپیماید، در عرصه مذهبی دارای هویت مستقل است، تکالیف و حقوق خاص خود را دارد. در احکام تقلید، تصرف در اموال و امثال آن تابع مرد نبوده و به عنوان «انسان مکلف» خود مستقلاً دارای مسئولیت است. از نظر اجتماعی و حقوق، مالک کار و دسترنج خویش است.

با ظهور اسلام و تعلیمات پایه‌ای آن، زنان از انزوای تاریخی - فرهنگی خارج شده و عزم خویش را جزم نمودند تا با فاصله گرفتن از دوران جاهلیت، تاریکی‌های آن را به دست فراموشی سپارند؛ زیرا به این درک و باور رسیده بودند که با دمیده شدن روح اسلام در کالبد هستی، زن نیز جزئی از خلقت الهی است و با توجه به وظایف سنگین خویش در قبال اجتماع از حقوق قابل توجهی نیز می‌تواند برخوردار باشد.

پیامبر اسلام برای این‌که فرهنگ جاهلی را نسبت به زن دگرگون کنند از دو شیوه استفاده کردند؛ یک شیوه، شیوه نظری بود، یعنی پیامبر با سفارش‌ها و نصیحت‌هایی که کرد این دیدگاه نسبت به زن را در بین جامعه عرب عوض کرد؛ تعبیری مثل این که پیامبر می‌فرماید:

«هر کس که دو دختر را پرورش بدهد تا به حد رشد و تعالی برسند من با او در بهشت وارد می‌شوم» و یا می‌فرماید: «بهترین شما کسی است که نسبت به اهلش مهربان باشد، من هم خودم بهترین هستم نسبت به اهل بیتم»، این چنین تعبیری در واقع یک مبارزه فرهنگی

است برای از بین بردن تلقی دوران جاهلیت نسبت به زن، اما می‌بینیم که پیامبر علاوه بر این شیوه نظری، به شیوه عملی نیز با این تلقی جاهلانه از زن به مبارزه می‌پردازد و با توجهی که به حضرت زهرا (سلام الله علیها) نشان می‌دهند عملاً می‌گویند که زن چه نقشی می‌تواند داشته باشد و به جامعه آن روز خاطر نشان می‌کنند که دختران و زنان از این چنین اهمیتی برخوردارند و شما نیز باید نسبت به دختران و زنان اینگونه باشید. (محمدپور، ۱۳۸۷:

(www.clip.99x.ir

### ۶-۳- تفاوت‌های زنان و مردان از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

ای مردم! همانا زنان در مقایسه با مردان، در ایمان و بهره‌وری از اموال و عقل متفاوتند. اما تفاوت ایمان بانوان، بر کنار بودن از نماز و روزه در ایام «عادت حیض» آنان است و اما تفاوت عقلشان با مردان بدان جهت که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است و علت تفاوت در بهره‌وری از اموال که ارث بانوان نصف ارث مردان است. پس از زنان بد بپرهیزید و مراقب نیکانشان باشید. درخواست‌های نیکو، همواره فرمانبردارشان نباشید تا در انجام منکرات طمع ورزند. (نهج البلاغه: خطبه ۸۰؛ دشتی، ۱۳۹۰: ۷۹)

### ۶-۴- اخلاق جنسی

اخلاق جنسی از اخلاق به معنی عام است. شامل آن عده از عادات و ملکات و روش‌های بشری است که با غریزه جنسی بستگی دارد. حیاء زن از مرد، غیرت ناموسی مرد، عفاف و وفاداری زن نسبت به شوهر، ستر عورت، ستر بدن زن از غیر محارم، منع زنا، منع ازدواج با محارم، جزء اخلاق و عادات جنسی بشمار می‌روند. (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۰-۲۱)

نخستین بحث علمی و فلسفی که در اینجا به میان می‌آید این است که سرچشمه این

اخلاق چیست؟ چگونه شد که مثلاً خصیصه حیا و عفت در زن پیدا شد؟

ویل دورانت، با این‌که ریشه اخلاق را نه طبیعت، بلکه پیش آمدهائی که احیاناً تلخ و ناگوار و ظالمانه بوده است. مقتضای منطق و تعقل این است که با سنن و خرافاتی مبتنی بر پلیدی علاقه جنسی مبارزه کنیم و درعین حال موجبات طغیان و عصیان و ناراحتی غریزه را به نام «آزادی» و «پرورش آزادانه» فراهم نکنیم.

بدانید که چون دختری در خانه‌ای به دنیا می‌آید خداوند ملائکه‌ای را نزد آنان می‌فرستد تا بگویند: «ای اهل خانه سلام بر شما! سپس آن دختر را با پرهای خود می‌پوشانند و دست‌های خویش را بر سر او می‌کشند و می‌گویند کسی که نگهبانی او را بر عهده گیرد تا روز رستاخیز یاری خواهد شد.» «کسی که دختری داشته باشد و او را زنده به گور نکند، خوار نسازد، پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا او را به بهشت خواهد برد.» اما این تعلیمات آسمانی که گاه با آیه‌های قرآن و گاه به زبان حدیث بر گوش‌های گران چنان مردم دیرفهم خوانده می‌شد، باید با آموزش عملی نیز همراه باشد تا اثر آن بیشتر گردد و نمونه‌ی اعلای این تربیت عملی، دختر پیغمبر است.

این شگفت است که شمار دختران رسول خدا از نخستین زن او خدیجه، بیش از پسران است و شگفت‌تر آنکه پسران او نمی‌پابند و در کودکی می‌میرند. چنانکه گفتیم از نظر زندگانی بدوی قبیله‌ای پسر است که چراغ خانه‌ی پدر را روشن می‌کند و آنکه پسری جای او را نگیرد نام او فراموش خواهد شد. چنین کس را ابتر می‌گفتند و این سرزنش کوتاه بینان مکه محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بود: «او ابتر است.» پس از مرگ نامی از وی نمی‌ماند؟ چون پسری ندارد که جانشین او شود؛ این عقیده‌ی کوردلانی از قریش بود اما بر وفق مشیت الهی، و برغم کج اندیشان تاریک دل، از پیغمبر اسلام دختری مانده و این دختر با گفتار و رفتار خود، چه در زندگانی خصوصی و چه در برخوردهای اجتماعی، سرّ سخن پدر و رمز قرآن را بدان اشارت‌های خودخواهان نمایاند که: «إِنَّ شَأْنَكُمْ هُوَ الْأُبْتَرُ». (شهیدی، ۱۳۸۷: ۱۸)

## نتیجه گیری

زن در نظام هستی، وظیفه خطیر تکثیر نسل را عهده داراست و خداوند تکوین جسم و روانش را متناسب با وظیفه پیش بینی شده‌اش قرار داده است، و از این جهت جایگاه بی نظیر و ممتازی در عالم خلقت بدست آورده است. اسلام با ظهورش، سنن جاهلی و رفتارهای غیر انسانی با زنان را تقبیح نمود و آنان را به رفتار نیک و ادای حقوق انسانی زنان تشویق و موظف ساخت. ملاک‌های ارزشی را در جامعه دگرگون کرد، نه مرد بودن را ملاک کرامت شمرد و نه زن بودن را نشانه نکبت و بدبختی، بلکه معیار و فضیلت را «تقوا و خویشتن‌داری در برابر گناه و نافرمانی خدا» شمرد، چه دارنده آن مرد باشد و چه زن؛ چرا که در انسانیت تفاوتی میان زن و مرد نیست. در این مکتب به زن استقلال و هویت بخشیده شد. او گذشته از این‌که می‌تواند پله‌های رشد و تعالی را بپیماید، در عرصه مذهبی دارای هویت مستقل است، تکالیف و حقوق خاص خود را دارد. در احکام تقلید، تصرف در اموال و امثال آن تابع مرد نبوده و به عنوان «انسان مکلف» خود مستقلاً دارای مسئولیت است. از نظر اجتماعی و حقوق، مالک کار و دسترنج خویش است.

## فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه
- ۱- الجوهری الفارابی، ابی نصر اسماعیل بن حماد، **الصحاح**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ ق.
- ۲- الزبیدی الحسینی، محمد مرتضی، **تاج العروس**، مصطفی حجازی، بیروت دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ ق.
- ۳- حسینی دشتی، سید مصطفی، **معارف و معاریف**، ج ۴، قم: صدر، ۱۳۷۶.
- ۴- دشتی، محمد، **ترجمه نهج البلاغه**، تهران: پیام عدالت، ۱۳۹۰.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، **لغتنامه دهخدا**، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، ج ۱، قم: مرتضوی، ۱۴۱۲ ق.
- ۷- رضایی، عباس، **زن در جاهلیت عرب**، تهران: بی نا، ۱۳۸۷.
- ۸- شهیدی، سیدجعفر، **زندگانی فاطمه الزهرا**، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۹- صدر، سیدرضا، **زن و آزادی**، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- ۱۰- طباطبایی، محمدحسین، **تفسیر المیزان**، ج ۶، محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- ۱۱- فتاحی زاده، فتحیه، **زن در تاریخ و اندیشه اسلامی**، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- ۱۲- قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- ۱۳- قمی، عباس، **سفینه البحار**، ج ۸، قم: انتشارات کتابخانه سنایی، بی تا.
- ۱۴- کریمی، فرشته، **زن در طول تاریخ**، تهران: نوید شیراز، ۱۳۸۵.
- ۱۵- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۳، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۲ ق.

۱۶- مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران: صدرا، ۱۳۷۳.

۱۷- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۸۹.

۱۸- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، تهران: ثامن، ۱۳۷۱.

۱۹- هاجری، عبدالرسول، فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش رو، قم: دفتر تبلیغات

اسلامی، ۱۳۸۲.

۲۰- احادیث شیعه، SID

۲۱- افق حوزه، ش ۲۴: ۱۴-۲۱.

۲۲- محمدپور، مهین «زن در میان دو جاهلیت» ۱۳۸۷: [www.clip.99x.ir](http://www.clip.99x.ir)

۲۳- [www.aviny.com.guran/almizan/geld16](http://www.aviny.com.guran/almizan/geld16)